

## قطعهنامه درباره:

### ارزیابی از موقعیت حزب دمکرات

### و شیوه برخورد ما به آن

#### الف- زمینه های عمومی بحران جریان حزب دمکرات

1- ناسیونالیسم در کردستان، بر مبنای موقعیت ملت کرد بمثابة یک ملت تحت ستم و بعنوان شکل بیان بورژوازی اعتراض در مقابل آن، از دیرباز زمینه ایجاد و رشد احزاب و جریانهای سیاسی مختلفی، بعنوان اپوزیسیون حکومتهای مرکزی، در جامعه کردستان بوده است. همچنانکه ناسیونالیسم تاریخاً ابزار ایدئولوژیک بورژوازی برای تامین منافع بخش های مختلف این طبقه بوده است، ناسیونالیسم کرد نیز، در بعد بالنسبه محدود خود، همین نقش را بعهده داشته است.

حزب دمکرات طی سالهای طولانی نماینده اصل جریان ناسیونالیستی در کردستان ایران بوده است. این حزب از لحاظ تعلق طبقاتی حزب بورژوازی و از لحاظ آرمان اجتماعی خودمختاری طلب است. برای بورژوازی کرد خودمختاری بمعنای آن است که این طبقه برای سرمایه و سرمایه اندوزیش پشتیوانه ای سیاسی و دولتی در شکل مشارکت در حاکمیت محلی تامین نماید.

2- نفوذ اجتماعی و تداوم حزب دمکرات بمثابة یک جریان سیاسی، معلول بقای ستمگری ملی و وجود تمایلات و سنت های مبارزه علیه این ستمگری بوده است.

از سوی دیگر از هم پاشیدن روابط کهنه اجتماعی، غلبه و گسترش مناسبات سرمایه داری و شکل گیری طبقه وسیع کارگران مزدی در دهه های اخیر، تحول اقتصادی و اجتماعی بزرگی بود که نهایتاً و بناچار گرایش های سیاسی در جامعه را تحت تاثیر عمیق خود قرار میداد و مسائل مطالبات و گرایشهای نوینی را با خود بمیدان می کشید.

این وضعیت امکان اجتماعی طرح و تفوق آرمانهای سوسیالیستی و دمکراتیک طبقه کارگر را بعنوان پرچم اعتراض توده ها علیه دولت مرکزی و علیه بورژوازی در کردستان فراهم ساخته، پایه های ناسیونالیسم کرد را متزلزل نموده و به این اعتبار، موجبات مادی سیر نزولی این گرایش و حزب سیاسی تغذیه کننده از آن را فراهم آورده است.

3- طی سالهای اخیر و با تداوم مبارزه انقلابی در کردستان واقعیت پایه ای فوق بر سر نوشت و سیر حرکت نیروهای سیاسی تاثیرات تعیین کننده ای گذاشته است. برای کومه له سوسیالیسم و آرمان برابری اقتصادی در متن مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی به مضمون آگاهگری، بسط نفوذ و جذب نیرو تبدیل میگردد و در مقابل حزب دمکرات نیرو و توان خود را از بقایای توهمات دامناروبه کاهش توده های مردم نسبت به ناسیونالیسم و رهبران ناسیونالیست، ضعف مقطعی دولت مرکزی و شکاف های منطقه ای می گیرد.

کومه له با مبارزه برای کسب مطالبات رفاهی و اقتصادی کارگران و اقشار زحمتکش جامعه، مقابله با خرافات و عقب ماندگی های سنتی، پشتیبانی از مبارزه انقلابی زحمتکشان روستا، مبارزه علیه ستم کشی زنان و با تکیه بر آگاهگری و بیدار ساختن توده های وسیع پایه نفوذ خود را وسیعاً گسترش داده است. حزب دمکرات بر عکس در مقابله با رشد فزاینده نفوذ شعارها سیاستهای کارگری و سوسیالیستی هر چه بیشتر به انکار سرمایه داری بودن کردستان و انکار موجودیت طبقه کارگر پرداخته

و به این ترتیب تلاش نموده است سرمایه داری را بمثابه عامل بقای همه نابرابری ها و \_از جمله ستم ملی\_ از تعرض توده ها مصون دارد. در سیر مبارزه طبقاتی حادی که بین این گرایشها در کردستان ادامه داشت حزب دمکرات بیش از پیش در مقابله با کومه له به بقایای عقب ماندگی های سنتی، خرافات و تعصبات ارتجاعی اتکاء می کند. اما آگاهی سیاسی، تجربیات توده های کارگر و زحمتکش و سطح توقعات آنها امروزه در کردستان در حدی است که چنین دست آویزهایی نمی توانند بقای طولانی مدتی بیابند. و حزب دمکرات بعنوان جریانی که سرسختانه در مقابل واقعیت های جدید جامعه کردستان می ایستد بناچار در انزوای بیشتر، بی افقی سیاسی عمیق تر و خصومت سیاسی شدیدتر با جریان کمونیستی فرو میرفت.

4- در پاسخ به این سیر نزولی و این بحران و سردرگمی سیاسی است که حزب دمکرات به آخرین حربه خود در مقابله با کومه له، یعنی بکار بردن نیروی نظامی، در ابعاد سراسری دست می برد. جنگ با کومه له برای حزب دمکرات در ادامه سیاست همیشگی این حزب در سنگ اندازی بر سر راه رشد آگاهی و سازمانیابی طبقاتی کارگران و آشنا شدن توده های زحمتکش به حقوق پایه ای خویش بود. حزب دمکرات که قادر نبود به طریق سیاسی از رشد و گسترش آلترناتیو کارگری و کمونیستی در میان توده ها جلوگیری کند، تلاش نمود تا بزور جنگ و از راههای قهر آمیز آن را متوقف سازد و موقعیت از دست رفته خود را بنیروی اسلحه اعاده نماید.

سیاست کومه له در این جنگ دفاع از تشکل مستقل پرولتری در کردستان و تضمین و تثبیت دست آوردهای سیاسی و اجتماعی جریان کمونیستی بود. برای کومه له پیروزی در این جنگ بمعنای خنثی شدن سیاست ضد انقلابی حزب دمکرات و کنار زدن موانعی بود که حزب بورژوازی بر سر راه آگاهگری و سازمان یابی کارگران و زحمتکشان و گسترش فعالیت کمونیستی قرار می داد.

حزب دمکرات پس از سه سال و نیم جنگ نتوانست نیروی نظامی کومه له را به عقب نشینی از مواضع سیاسی و طبقاتی خویش ناگزیر کند، بر عکس خود وی از لحاظ سیاسی به انزوا کشانیده شد، عدم توانایی و ناکامی خویش را در تحقق هدفهای ارتجاعی بنامی لمس کرد و علیرغم میل خویش در انظار همگان بنمایش گذاشت. در حال حاضر حزب دمکرات از لحاظ توانایی عملی خویش موقعیتی پیدا کرده است که قادر به ایجاد اخلاص و مزاحمت جدی بر سر راه فعالیت کومه له نیست.

## ب- بحران کنونی حزب دمکرات و شیوه بر خورد ما:

I- تشتت و بحران درونی حزب دمکرات، بر مبنای زمینه هایی که فوقاً به آن اشاره کردیم در چند ساله اخیر مداوماً و ما تعمیق شده و اکنون بدنبال کناره گیری ها و تصفیه های متعدد و خرده انشعابها، سرانجام بدنبال کنگره هشتم یک انشعاب کامل را موجب شده و عملاً این حزب را به دو بخش تقسیم کرده است.

### علل انشعاب اخیر را می توان چنین خلاصه کرد:

1) سست شدن پایه های اجتماعی حزب دمکرات، رشد یک جریان سوسیالیستی انقلابی متکی به نیروهای محرکه نوین مبارزه انقلابی در کردستان و تضعیف عمومی سنت مبارزه ناسیونالیستی در برابر سنت سوسیالیستی، بیگانگی حزب دمکرات با مسائل اجتماعی و مطالبات طبقاتی ای که پایه جنبش انقلابی در دوره اخیر را می سازند، حزب دمکرات را به یک بی افقی و سر در گمی عمیق سیاسی سوق داده است. حزب دمکرات بطور روز افزونی نفوذ خود را در میان اقشار زحمتکش و تهیدست

در کردستان از دست می دهد و از نظر عملی اندازه های آن تا حد توان و ظرفیت طبقاتی بورژوازی کرد در کردستان امروزی کاهش می یابد.

2) شکست سیاست جنگی حزب دمکرات در برابر کومه له و اثبات این واقعیت که حزب دمکرات نه فقط قادر به جلوگیری از رشد آلترناتیو کارگری و کمونیستی در کردستان نیست بلکه می رود تا در برابر آن به حاشیه صحنه سیاسی در کردستان رانده شود، به رشد بحران و استیصال عملی حزب می افزاید.

3) پیشروی های نظامی جمهوری اسلامی عرصه فعالیت نظامی، شکل عمده و اساسی ابراز وجود حزب دمکرات را تنگ تر نموده است. دورنمای عملی فعالیت، گسترش و یا حتی حفظ موجودیت در ابعاد کنونی برای حزب دمکرات تیره شده است. حزب دمکرات قادر به ارائه خط مشی روشنی برای خروج از این وضعیت نیست.

4) این وضعیت بتدریج حزب را از حفظ وحدت سیاسی و عملی در میان گرایشات مختلف در درون بورژوازی کرد ناتوان ساخته است. این گرایشات که بویژه بر حسب نزدیکی به اردوگاههای مختلف بین الملل (شوروی، سوسیال دموکراسی و غیره)، درجه اتکاء به ناسیونالیسم کرد و نحوه و نوع ائتلاف با نیروهای سیاسی سراسری در ایران تفاوت هایی دارند در خلاء ناشی از بحران و بی افقی سیاسی و فقدان یک خط مشی متحد کننده مجدداً فعال می شوند و کشمکش در میان آنها تشدید میشود.

5) وبالاخره در چنین اوضاعی بخشی از کادرها و رهبران حزب دمکرات جرات می یابن نارضایتی خود را در شکل اعتراض به رهبری قاسملو که سنتاً از اتوریته تثبیت شده ای در حزب دمکرات بر خوردار بوده است ابراز کنند انعطاف ناپذیری قاسملو در قبال مخالفین از یکسو و این تلقی که عوامل مساعدی نیز برای شکل گیری این انشعاب در بیرون از حزب دمکرات وجود دارد، به مخالفین در حزب دمکرات امکان داد تا این بار به یک انشعاب سازمان یافته دست بزنند.

## II- جریان انشعابی بر مبنای پلاتفرم سیاسی اساساً متمایزی جدا نشده است. بیانیه این جریان گواه این است که:

اولاً، کمابیش تمام گرایشات موجود در حزب دمکرات در جریان جدید حضور دارند و ثانیاً این سند بیشتر به منظور جذب نیرو و ایجاد محیط مساعد برای بقاء جریان انشعابی در میان سایر احزاب سیاسی تنظیم شده است تا برای بر افراشتن پرچم دیدگاههای معین و متمایز سیاسی به این معنی انشعاب اخیر هنوز گواه یک جدایی برنامه ای از حزب دمکرات نیست. تأکیدات بیانیه بر ضرورت نزدیکی به اصطلاح اردوگاه سوسیالیستی گرچه بیانگر وجود یک گرایش طرفدار شوروی در این جریان هست اما به معنای یک سویه شدن این جدال در درون هیچ یک از دو بخش آن نیست؛

## III- سیاست کومه له در قبال بخش های مختلف این حزب بایستی تابع اصول زیر باشد:

1) جهت عمومی حرکت ده ساله اخیر کومه له برای منزوی کردن حزب دمکرات، تبدیل کردن جریان کارگری و کمونیستی در کردستان بعنوان جریان و ظرف اصلی مبارزه و اعتراض در کردستان و غلبه سنت سوسیالیستی بر سنت ناسیونالیستی در مبارزات مردم زحمتکش باید بدون ابهام ادامه یابد. موقعیت کنونی این حزب بایستی بعنوان نقطه ای در سیر توهم زدایی کامل

در میان کارگران و زحمتکشان نسبت به این حزب و سنتهای آن در نظر گرفته شود و فعالیت ما باید ادامه پیگیرانه مبارزه سیاسی و طبقاتی برای تداوم و تسریع این روند را هدف قرار دهد.

2) حقایق طبقاتی در مورد ماهیت حزب دمکرات بعنوان یک جریان اجتماعی باید همچنان بروشنی تبلیغ شود. این انشعاب نباید نقد طبقاتی ما را از این جریان کند.

3) در قبال جنگ داخلی در کردستان، موضع ما اعلام آتش بس یک جانبه به هر دو جریان و برقراری مناسبات تعریف شده سیاسی با هر جریانی است که این آتش بس را بپذیرد.

4) در عین اعلام آتش بس یک جانبه باید آمادگی و هشیاری نظامی خود را حفظ نمود و بویژه در صورت پافشاری صریح جناح قاسملو بر جنگ، امکان اقدامات نظامی علیه نیروهای ما را از جانب آنها کاملاً جدی و محتمل تلقی نمود و باید به حزب دمکرات در قبال هر نوع ماجرا جوئی نظامی علیه کومه له هشدار داد و در چنین صورتی این جناح باید جواب قاطع خود را مطابق آنچه که خود درست تشخیص می دهد دریافت دارد.

5) تبلیغات ما در قبال حزب دمکرات باید عمدتاً خطاب به توده های زحمتکش و از زاویه روشنگری درباره منافع آنان، وظایف و دورنمای جنبش از نظر کومه له، جدایی احزابی نظیر حزب دمکرات از مطالبات و آرمانهای اساسی زحمتکشان در کردستان صورت بگیرد. کومه له باید با شناخت کامل موقعیت و مسولیت‌های خویش، بعنوان نماینده کارگران و زحمتکشان و رهبر و سازمانده انقلاب در کردستان و منجمله مبارزه برای رفع ستم ملی، تبلیغ کند و عمل نماید.

6) چنانچه در مسله ملی و خودمختاری، یعنی امر مشترکی که حزب دمکرات و کومه له هر دو راساً مطالبه می کنند و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، اتحاد عمل مفید و درست تشخیص داده شود، میتوان به آن مبادرت ورزید. در عین حال بدرجه ای که هر یک از بخش های حزب دمکرات نسبت به کومه له روش مسالمت جویانه تری را درپیش بگیرند و یا مطالبات و سیاست های کارگری و دموکراتیک را مورد تایید قرار دهند میتوان رابطه عملی نزدیک تری را با آن برقرار ساخت.

1367/3/26